

خدا بی‌خدایان را عادل می‌شمارد

رومیان ۳: ۲۱-۴: ۸

لکن الحال، بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند، یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند، زیرا که هیچ تفاوتی نیست، زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند و به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است. که خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان، به وسیله خون او، تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق، در حین تحمل خدا، برای اظهار عدالت خود در زمان حاضر، تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد. پس جای فخر کجا است؟ برداشته شده است! به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نی، بلکه به شریعت ایمان. زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان، عادل شمرده می‌شود. آیا او خدای یهود است فقط؟ مگر خدای امتها هم نیست؟ البته خدای امتها نیز است. زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان و نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد. پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت را استوار می‌داریم. پس چه چیز را بگوییم که پدر ما ابراهیم به حسب جسم یافت؟ زیرا اگر ابراهیم به اعمال عادل شمرده شد، جای فخر دارد، اما نه در نزد خدا. زیرا کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد.» لکن برای کسی که عمل می‌کند مزدش نه از راه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود و اما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود. چنان که داوود نیز خوشحالی آن کسی را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: «خوشا به حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید. خوشا به حال کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید.»

اثبات عدالت خدا

مرگ مسیح یکی از عمیق‌ترین معضلات را از میان برداشت. آن عمیق‌ترین معضل این بود که خدا با گذشتن از گناهان فراوان که سزاوار محکومیت بودند خدایی ناعادل به نظر می‌رسید. کل عهدعتیق بر این حقیقت شهادت می‌دهد که خدا «دیرخشم و کثیر احسان و وفا، نگاهدارنده رحمت برای هزاران و آمرزنده خطا و عصیان و گناه» است (خروج ۳۴: ۶-۷).

در اصل، گناه (رومیان ۳: ۲۳) این نیست که نسبت به انسانی دیگر، به هم‌نوع خود، جرمی مرتکب شویم؛ گناه ارتکاب جرم به خدا است. «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند.» گناه همواره به این معنا است که هر چیزی را در دنیا بیش از خدا ارج نهیم و ارزش گذاریم. گناه حقیر شمردن جلال خدا است و بی‌حرمت نمودن نامش.

اما عدالت خدا تعهد او است به انجام آنچه در نهایت درست و نیکو است، یعنی حفظ حرمت نامش و ارزش جلالش. عدالت نقطه مقابل گناه است. گناه با اقدام علیه خدا ارزش او را حقیر می‌شمارد؛ حال آنکه، عدالت با طرفدار خدا بودن ارزش او را بزرگ می‌دارد.

بنابراین، وقتی خدا به آسانی از گناه می‌گذرد و اجازه می‌دهد گناهکاران، بدون اینکه عادلانه مجازات شوند، جان سالم به در برند، به نظر می‌رسد خدای عادل نباشد. انگار می‌گوید: «اهمیتی ندارد ارزشم تمسخر گردد؛ مهم نیست جلالم حقیر شمرده شود. اشکالی ندارد نامم بی‌حرمت گردد.» اگر این گفته‌ها صحت می‌داشت، خدا ناعادل می‌بود و برای ما امیدی وجود نمی‌داشت.

ولی خدا نگذاشت که این حقیقت داشته باشد. او پسرش، عیسی مسیح، را تقدیم نمود تا او با مرگش نشان دهد خدا عادل است. مرگ پسر خدا اعلام می‌کند خدا جلالش را ارج می‌نهد، از گناه بیزار است و گناهکاران را دوست دارد.

عادل شمردن بی‌خدایان

واژه دیگری که در مورد گذشتن از گناه به کار می‌رود؛ و خدا را ناعادل می‌نمایاند، واژه «عادل‌شمردگی»، و به عبارتی، عادل شمردن بی‌خدایان است (رومیان ۵:۴). این چیزی است که قصد دارم امروز بدان بپردازم. خدا نه تنها از گناهان گذشته قومش می‌گذرد، بلکه از گناهانی که دیروز و امروز صبح و فردا نیز مرتکب شده و می‌شویم نیز گذر خواهد کرد.

آیه ۲۶ می‌فرماید در مرگ عیسی دو اتفاق روی داد «[مرگ مسیح] برای اظهار عدالت . . . تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.» مرگ او نشان داد که هم خدا عادل است و هم ایمانداران عادل شمرده می‌شوند.

اکنون، نمی‌خواهم به آن ایمان شخصی و فردی بپردازم که باعث عادل‌شمردگی ما می‌گردد، بلکه می‌خواهم بر کار مشهود و ملموس خدا در عادل‌شمردن تمرکز نمایم. به گمانم، اگر بر این کار عظیم تمرکز کنیم، یعنی بر کار خدا نه بر کار خودمان، به ایمانی می‌رسیم که پذیرای این کار عظیم است و دلمان را به غلیان می‌آورد.

عادل‌شمردگی برای آنانی که با اعتماد به عیسی این هدیه را می‌پذیرند چهار معنا دارد. آن چهار معنا را بررسی می‌نماییم.

۱. همه گناهانمان بخشیده می‌شوند

نخست اینکه، عادل شمرده شدن به این معنا است که همه گناهانمان بخشیده می‌شوند.

همه گناهان، گناهان گذشته، حال، آینده

به رساله رومیان ۵:۴-۸ مراجعه کنیم که پولس با نقل قول از عهدعتیق حقیقت عادل‌شمردگی را آشکار می‌سازد.

کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد ایمان او عدالت محسوب می‌شود. چنان که داوود نیز خوشحالی آن کسی را ذکر می‌کند که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: «خوشا به حال کسانی که خطایای ایشان آمرزیده شد و گناهانشان مستور گردید. خوشا به حال کسی که خداوند گناه را به وی محسوب نفرماید.»

این دقیقاً جان کلام عادل‌شمردگی است. آن سه عبارت برجسته در آیات ۷-۸ را عزیز بشمارید: «خطایا آمرزیده شد،» «گناهان مستور گردید،» «خداوند گناه را به ما محسوب نمی‌دارد.»

توجه داشته باشید که پولس آمرزش گناهان را فقط به گناهانی که پیش از ایمان آوردنمان مرتکب شده‌ایم محدود نمی‌کند، گویی گناهان گذشته شما آمرزیده شده باشد، ولی تکلیف گناهان آینده‌تان معلوم نباشد. چنین محدودیتی وجود ندارد. برکت عادل‌شمردگی این است که خطایا آمرزیده می‌شوند و گناهان مستور می‌گردند و «خداوند گناه را به ما محسوب نمی‌دارد.» این حقیقتی مسلم، قاطع و بی‌چون و چرا است.

زیرا مسیح گناه و تقصیر ما را متحمل شد

چگونه او می‌تواند چنین کاری کند؟ رومیان ۳:۲۴ می‌فرماید ما «به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است» عادل شمرده می‌شویم. واژه «فدی» به معنای آزاد شدن، خلاص شدن یا رها شدن از اسارت و زندان می‌باشد. نکته اینجا است که وقتی عیسی برای ما جان داد، ما را از زندان گناهانمان آزاد نمود. او بندهای جرم و تقصیری را پاره کرد که ما را در محکومیت قرار داده بودند.

پولس در رساله غلاطیان ۳:۱۳ می‌گوید «مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد، چون که در راه ما لعنت شد.» پطرس در رساله اول پطرس ۲:۲۴ می‌نویسد: «مسیح گناهان ما را در بدن خویش بر دار متحمل شد.» و اشعیا می‌گوید: «خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد» (۶:۵۳).

از این رو، عادل شمردگی – آمرزش گناهان – از آن ما می‌گردد، چرا که مسیح گناه ما، لعنت ما و تقصیر ما را متحمل شد و بدین سان ما را از محکومیت رهایی داد. عادل شمرده شدن «به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است» بدین معنا می‌باشد. ما از مجازات گناهان رهایی می‌یابیم، زیرا او مجازات گناهان را متحمل شد.

مسیح فقط یکبار عذاب کشید

توجه داشته باشید که مسیح فقط یکبار عذاب کشید. او در آیین شام خداوند یا در مراسم هفتگی کلیسای کاتولیک، بارها و بارها، قربانی نمی‌شود، گویی که نخستین مرتبه قربانی شدنش کفایت نکرده و بسنده نبوده است. رسالهٔ عبرانیان ۲۶:۹ می‌فرماید «مسیح یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود گناه را محو سازد» (به عبرانیان ۲۷:۷ نیز مراجعه نمایید). آیهٔ ۱۲:۹ می‌فرماید: «و نه به خون بزها و گوساله‌ها بلکه به خون خود، یک مرتبه، فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیۀ ابدی را یافت.» برای درک شکوه و جلال کاری که خدا بر روی صلیب برای ما انجام داد کاملاً لازم و حیاتی است که از این حقیقت آگاه باشیم.

آیا این را متوجه می‌شوید که مسیح یکبار جان داد، اما مرگ یکباره‌اش برای آمرزش کل گناهان شما و گناهان جمیع قوم خدا بود. آیا این ارتباط را متوجه می‌شوید؟ مسیح فقط بعضی از گناهان یا گناهی خاص یا فقط گناهان گذشتهٔ جمیع قومش را از میان برداشت، بلکه همهٔ گناهان و گناه محض را از میان برداشت.

بنابراین، آمرزشی که به عادل شمردگی ختم می‌گردد آمرزش کل گناهان گذشته، حال، و آینده است. این چیزی بود که در مرگ مسیح به انجام رسید.

۲. آن عدالتی برای ما عدالت محسوب می‌شود که از آن ما نبوده است

عادل شمرده شدن به این معنا است که عدالت خدا برای ما عدالت محسوب می‌گردد و به ما نسبت داده می‌شود، به عبارتی، عدالت ما به حساب می‌آید.

صرفاً این طور نیست که ما آمرزیده شویم، ولی جایگاهی در حضور خدا نداشته باشیم. خدا نه فقط گناه ما را از سر راه برمی‌دارد، بلکه ما را عادل و بی‌گناه به حساب می‌آورد و وضعیت ما را در حضور خودش اصلاح می‌نماید. او عدالت خودش را به ما می‌بخشد.

عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی

به آیات ۲۱-۲۲ توجه نمایید. پولس در آیهٔ ۲۰ گفته بود که هیچ انسانی نمی‌تواند با به‌جای آوردن اعمال شریعت عادل و بی‌گناه گردد. شما هرگز نمی‌توانید با تکاپوی مذهبی و شریعت‌گرایی وضعیت خود را در حضور خدا اصلاح نمایید. سپس او (برای اینکه نشان دهد چگونه می‌توان عادل شمرده شد) می‌گوید: «لکن الحال، بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند، یعنی عدالت خدا که به وسیلهٔ ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند».

پس هرچند که هیچ‌کس نمی‌تواند با به‌جای آوردن اعمال شریعت عادل شمرده شود، شما می‌توانید با ایمان به عیسی مسیح عدالت خدا را از آن خود کنید. منظور همین است وقتی که می‌گوییم عادل شمرده شدن به این معنا است که عدالت به حساب ما گذاشته می‌شود. از طریق ایمان است که عدالت خدا عدالت ما محسوب می‌شود.

وقتی عیسی جان داد تا عدالت خدا را نشان دهد، آن را چون هدیه‌ای برای گناهکاران در دسترس آنها قرار داد. اگر مسیح جان خود را فدا نکرده بود تا نشان دهد که خدا در گذشتن از گناهان همچنان عادل باقی می‌ماند، در آن صورت، تنها راه نشان دادن عدالت خدا این می‌بود

که ما محکوم گردیم. اما مسیح جان داد و اکنون عدالت خدا به معنی محکومیت نیست، بلکه هدیهٔ حیات است برای همهٔ کسانی که ایمان آورند.

دوم قرن تیان ۲۱:۵

رسالهٔ دوم قرن تیان ۲۱:۵ یکی حیرت‌آورترین آیه‌ها دربارهٔ این هدیهٔ عظیم عادل به حساب آمدن است: «زیرا او [مسیح] را که گناه شناخت [خدا] در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم».

مسیح گناه شناخت. او انسان کامل بود. او هرگز گناه نکرد. او در کل حیاتش و در مرگش، برای جلال خدا، به کمال زیست. او عادل بود، اما همهٔ ما گناه کرده‌ایم. ما جلال خدا را حقیر شمرده‌ایم. ما عادل نیستیم.

اما خدا که پیش از بنیاد عالم ما را در مسیح عیسی برگزید چنین مقرر نمود که مبادله‌ای پرشکوه صورت گیرد: او مسیح را گناه ساخت، نه اینکه او را گناهکار نمود، بلکه گناه ساخت – گناه ما، تقصیر ما، مجازات ما، بیگانگی ما با خدا و عادل نبودن ما – خدا عدالت خود را که مسیح آن را به طرزی شگفت‌انگیز ثابت نموده بود به ما داد تا آن عدالت را به دوش کشیم و به تن کنیم و از آن خود نماییم، همان‌گونه که مسیح گناه ما را به دوش کشید و بر تن کرد و از آن خویش نمود.

در اینجا، نکته این نیست که مسیح به لحاظ اخلاقی گناهکار می‌گردد و ما به لحاظ اخلاقی عادل می‌شویم. نکته اینجا است که مسیح گناهی را به دوش گرفت و به خاطرش عذاب کشید که از آن او نبود و ما عدالتی را به دوش می‌گیریم و بدان زیست می‌کنیم که از آن ما نیست.

عادل شمردگی بر تقدیس شدن مُقدم است

مطمئن باشید که این واقعیت مشهود چیزی نیست که به ما متکی باشد. واقعیت تقدیس شدن هنوز به کمال نرسیده است. در فرآیند تقدیس شدن، ما عملاً از نظر اخلاقی در طرز تفکر و احساسات و زندگی‌مان عادل می‌گردیم و در راستی پیش می‌رویم. تقدیس شدن هم یک هدیه است، اما اساسش عادل شمردگی است. هر یک از ما پیش از آنکه بتوانیم در راستای انجیل، به درستی، در عدالتی پیش رویم که هنوز به کمال نرسیده است باید باور داشته باشیم که آن عدالت کاملاً عادل است ما به حساب می‌آید. این حقیقت را به شکل دیگری بیان می‌کنم: تنها گناهی که عملاً می‌توانید با قدرت خدا بر آن غلبه کنید گناهی است که آمرزیده شده است. هدیهٔ عظیم عادل شمردگی بر تقدیس شدن مُقدم است و راه را برای روند تقدیس شدن هموار می‌سازد.

۳. خدا ما را محبت می‌نماید و با فیض با ما رفتار می‌کند

عادل شمرده شدن به این معنا است که خدا ما را محبت می‌نماید و با فیض با ما رفتار می‌کند.

مسیح میزان محبت خدا به ما را ثابت می‌نماید

اگر خدا شما را دوست نمی‌داشت، دیگر مشکلی وجود نمی‌داشت که بخواهد آن را با مرگ پسرش برطرف نماید. این محبت خدا به شما بود که باعث شد او از گناهتان بگذرد و در این گذشتن ناعادل به نظر رسد. اگر خدا شما را دوست نداشت، بدیهی است که همهٔ ما را به هلاکت محکوم می‌نمود و به این ترتیب مشکل گناه را برطرف می‌کرد و آن محکومیت نیز عدالتش را به اثبات می‌رساند. اما او چنین نکرد و دلیلش این است که شما را دوست دارد.

این حقیقت به زیباترین شکل در رومیان ۵:۶-۸ تصویر شده است.

زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین، مسیح برای بی‌دینان وفات یافت. زیرا بعید است که برای شخص عادل کسی بمیرد، هرچند در راه مرد نیکو ممکن است کسی نیز جرأت کند که بمیرد. لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد.

خدا در مرگ پسرش فقط حقیقت عدالتش را ثابت نکرد، بلکه میزان محبتش را نیز.

هدیه رایگان خدا

پولس در رومیان ۲۴:۳ اشاره می‌کند که ما «به فیض او» به رایگان عادل شمرده می‌شویم. در هدایای فیض است که محبت خدا برای گناهکاران لبریز می‌گردد، هدایایی که از مهربانی سخاوتمندانه خدا سرچشمه گرفته است نه از اعمال یا از ارزش ما.

آمزش گناهان و عدالت خدا هدایایی رایگانند، یعنی برای ما بهایی نداشتند، زیرا مسیح همه بها را پرداخت. به جای آوردن اعمال نیک و مذهبی گناهان را نمی‌بخشد و کسی را عادل نمی‌سازد، همان‌طور که با انجام آیین و مراسم کلیسایی نمی‌توان آمرزیده شد و نمی‌توان آن آمزش را از والدین هم به ارث برد. آمزش گناهان و عدالت خدا رایگانند و باید با ایمان به آنها دست یافت.

رومیان ۱۷:۵ این حقیقت را بدین شکل بیان می‌کند:

اگر به سبب خطای یک نفر و به واسطه آن یک، موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر، آنانی که افزونی فیض و بخشش عدالت را می‌پذیرند در حیات سلطنت خواهند کرد، به وسیله یک، یعنی عیسی مسیح.

آمزش گناهان و عدالت خدا هدایای رایگان فیضند که از محبت خدا جاری می‌شوند.

عادل شمرده شدن یعنی اینکه گناهانمان بخشیده می‌شوند، عدالت به حسابمان گذاشته می‌شود و خدا ما را محبت می‌نماید.

۴. خدا ما را تا ابد ایمن نگاه می‌دارد

و سرانجام، عادل شمرده شدن به این معنا است که خدا ما را تا ابد ایمن نگاه می‌دارد.

این اوج برکت است و پولس این برکت را در رومیان ۸:۳۰ چنین اعلام می‌کند: «آنانی را که از قبل معین فرمود ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید ایشان را نیز جلال داد».

اگر عادل شمرده شده‌اید، جلال نیز خواهید یافت. در عصری که می‌آید، شما به جلال می‌رسید و تا ابد در شادی و قدوسیت با خدا زیست می‌نمایید. چرا این‌همه یقین؟

آری، این‌همه یقین، زیرا ثمره مرگ پسر خدا برای قوم خدا ملموس و واقعی و حتمی و استوار می‌باشد. آنچه مرگ او به انجام رسانید نتیجه‌اش ابدی است. ثمره خون مسیح پابرجا است، یعنی این‌گونه نیست که یک لحظه نجات داشته باشیم و یک لحظه آن را از دست بدهیم و دوباره به دست آوریم و دوباره از دست بدهیم.

نکته آیه ۳۲ همین است: «او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه‌چیز را به ما نخواهد بخشید؟» یعنی که ما را نیز جلال نخواهد داد؟! آری، همان قربانی که عادل‌شمردگی ما را ایمن می‌سازد جلال یافتنمان را نیز امنیت می‌بخشد.

اگر عادل شمرده شده‌اید، کیفرخواست و محکومیتی در انتظارتان نیست. آیه ۳۳: «کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟ آیا خدا که عادل‌کننده است؟» آیا نکته را متوجه می‌شوید: اگر خدا با مرگ پسرش شما را عادل شمرده است، هیچ‌کس، آری هیچ‌کس نه در آسمان نه بر زمین نه زیر زمین، نمی‌تواند شما را به چیزی متهم کند که آن اتهام بر شما وارد باشد. شما جلال خواهید یافت.

چرا؟ چون بی‌گناهید؟ خیر. چون با خون مسیح عادل و بی‌گناه شمرده شده‌اید.

جان پای‌پر

www.MahfeleEnjil.com